

نفت و سازمان تجارت جهانی

چکیده

توسعه اقتصاد و تجارت بین‌المللی منجر به شکل‌گیری یک نظام اقتصادی به‌هم وابسته جهانی شده است که به سوی تبدیل شدن به یک اقتصاد یکپارچه جهانی حرکت می‌کند. در این فرایند جهانی شدن، اهمیت و نقش نهادهای بین‌المللی اقتصادی و پیمان‌های چندجانبه، پیوسته رو به افزایش است و به همراه خود مجموعه نوینی از قواعد، رویه‌ها و اصول تجاری و اقتصادی را به جهان عرضه می‌کند. در این بستر بود که توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت موسوم به "گات" (تأسیس ۱۹۴۷) در پی توافق‌های حاصله در گفتگوهای دور اروگوئه، سرانجام در سال ۱۹۹۵ هسته اصلی سازمان تجارت جهانی یا "WTO" را تشکیل داد. اهمیت نفت به‌عنوان عامل محرک اقتصاد جهانی، بر کسی پوشیده نیست و از آنجا که به‌عنوان یکی از منابع مهم تامین نیازهای انرژی جهانی به‌شمار می‌رود، بنابراین اقتصاد نفت‌خام جنبه بین‌المللی پیدا کرده است. هر چند نفت به صورت مستقیم در قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی مورد اشاره واقع نشده، ولی موضوعات مرتبط با نفت در GATT/WTO وجود دارد که عبارتند از:

۱. کارشناس ارشد اقتصاد انرژی، a_gh_1980@yahoo.com

محدودیت‌های صادراتی و قیمت‌گذاری دوگانه، تعرفه‌ها، مالیات‌ها نفت و همچنین موافقتنامه‌های عمومی تعرفه و تجارت و موافقتنامه راجع به یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقتنامه راجع به حقوق ضد دامپینگ و جبرانی، توافق‌نامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (TRIMs) و موافقتنامه راجع به موانع فنی بر سر راه تجارت، موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات و کمیته تجارت و محیط زیست سازمان تجارت جهانی نیز در WTO وجود دارند.

در دوره‌های نخست مذاکرات تجاری گات، فقط اندونزی (۱۹۵۰)، نیجریه (۱۹۶۰) و کویت (۱۹۶۳) در گات عضویت داشتند و سایر کشورهای اوپک در فرآیند تصمیم‌گیری این سازمان اقتصادی، حضور نداشتند.

کشورهای صادرکننده نفت باید این واقعیت را بپذیرند که دیر یا زود ناچار خواهند شد تا در سیاست‌گذاری‌های خود تجدید نظر کرده و روش تدوین سیاست‌های نفتی خود را بویژه در موضوعات مرتبط با یارانه انرژی، سرمایه‌گذاری خارجی و خدمات بخش انرژی، با نظام نوین تجارت آزاد جهانی تطبیق دهند. با توجه به اهمیت درآمدهای حاصله از صدور نفت برای کشورهای صادرکننده و نقش این منبع مهم انرژی در برنامه‌های توسعه کشورهای مزبور، روند آزادسازی و مقررات‌زدایی در بخش نفت، تبعات اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: سازمان تجارت جهانی، بازارهای جهانی نفت، TRIMs، اوپک.

مقدمه

توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در سال ۱۹۴۷ بین تعدادی از کشورهای جهان به امضاء رسید که هدف اصلی آن ایجاد فضایی مناسب برای تجارت جهانی آزاد و به دور از هر نوع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بود. به نحوی که تمامی کشورهای عضو بتوانند بیشترین بهره‌برداری را از منابع طبیعی کشور خود داشته باشند و سطح ظرفیت تولید و اشتغال خود را به حداکثر برسانند. ولی گسترش و پیچیدگی مسائل مرتبط با تجارت چندجانبه و عدم پاسخگویی گات به آنها موجب گردیده تا به تدریج اعضای این نهاد و یا به عبارت دقیق‌تر طرفهای متعاقد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت درصدد ایجاد ساختارهای دقیق و پاسخگو برای این منظور برآیند و با تصویب و آغاز به کار سازمان جهانی تجارت از ابتدای سال ۱۹۹۵، در پایان همان سال نقش گات به عنوان یک نهاد بین‌المللی پایان یافت و موافقتنامه‌های آن در چارچوب سازمان جدیدالتأسیس دنبال شد. اصول حاکم بر فعالیت‌های آن بر پایه قوانین گات استوار

گردید و تمامی مقررات و مصوبات گات در سازمان تجارت جهانی قابل اجرا معرفی شد. گرچه نفت در هیچیک از دور گفتگوهای گات مستقیماً موضوع مذاکره نبوده است، قوانین متعددی در چارچوب گات به تصویب رسیده است که بر بخش نفت تأثیر می‌گذارد، و در آینده نیز قوانین مشابهی با همین تأثیرات در WTO به تصویب خواهد رسید.

این مقاله به بررسی تأثیر قوانین و مصوبات WTO بر بخش انرژی می‌پردازد و تأثیر فعالیت‌ها و رویه‌های سازمانی و قانونی تصویب شده در آن که می‌تواند محدودیت‌ها و فرصت‌هایی را در اعمال سیاست‌های ملی در کشورهای صادرکننده نفت ایجاد کند، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

WTO و GATT

توسعه اقتصاد و تجارت بین‌المللی منجر به شکل‌گیری یک نظام اقتصادی به هم وابسته جهانی شده است که به سوی تبدیل شدن به یک اقتصاد یکپارچه جهانی حرکت می‌کند. در این فرایند جهانی شدن، اهمیت و نقش نهادهای بین‌المللی اقتصادی و پیمان‌های چندجانبه، پیوسته رو به افزایش است و به همراه خود مجموعه نوینی از قواعد، رویه‌ها و اصول تجاری و اقتصادی را به جهان عرضه می‌کند.

در این بستر بود که توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت موسوم به «گات» (تأسیس ۱۹۴۷) در پی توافقی حاصله در گفتگوهای دور اروگوئه، سرانجام در سال ۱۹۹۵ هسته اصلی سازمان تجارت جهانی یا «WTO» را تشکیل داد. حوزه فعالیت‌ها و دامنه جغرافیایی تحت پوشش WTO نسبت به گات وسیعتر است و سعی دارد اصول عمده گات (اصل کامل‌الوداد، اصل رفتار ملی و اصل ممنوعیت موانع غیرتعرفه‌ای) را در مورد سایر اقلام نظیر خدمات و حق مالکیت معنوی اعمال کند. به علاوه، WTO رویه‌های نهادی و قانونی لازم (رویه‌های تصمیم‌گیری و حل‌وفصل مناقشات) را که اعمال اصول فوق را تسهیل و ممکن می‌کند در دستور کار خود دارد.

البته باید این نکته را مدنظر داشت که بین گات و سازمان تجارت جهانی تفاوتی به قرار زیر وجود دارد:

۱. گات در واقع مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی بود که هرگز از یک مبنای حقوقی به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی برخوردار نبود.
۲. گات به طور موقت شکل گرفته بود در حالی که سازمان تجارت جهانی یک نهاد

بین‌المللی با ساختار سازمانی دائمی است.

۳. WTO که از سال ۱۹۹۵ جایگزین گات شده است، سازمانی بین‌المللی است که علاوه بر موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، در چارچوب موافقتنامه‌های متعدد دیگری بر حقوق و تعهدات اعضا نظارت می‌کند.

۴. مقررات گات تنها شامل تجارت کالاها بود در حالی که موافقتنامه سازمان تجارت جهانی علاوه بر تجارت کالاها، تجارت خدمات و جنبه‌های تجاری مرتبط با مالکیت معنوی را نیز در بر می‌گیرد.

۵. در سازمان تجارت جهانی مقررات تفصیلی‌تر و عملی‌تری در مورد بررسی و اجرای تصمیمات نظام حل و فصل اختلاف وجود دارد. نظام حل و فصل اختلافات این سازمان، محدودیت زمانی برای بررسی تعیین کرده و از این لحاظ از سرعت بیشتری نسبت به نظام حل و فصل اختلافات گات برخوردار است.

به‌طور کلی در این خصوص گفته می‌شود سازمان جهانی تجارت، گات باضافه خیلی چیزهای دیگر است. کشورها با پیوستن به این سازمان بطور خودکار از تمامی منافع اعضای این سازمان به یکدیگر اعطاء کرده‌اند بهره‌مند می‌شوند.

نفت در مذاکرات دور اروگوئه

در طول مذاکرات دور اروگوئه تلاش‌های زیادی توسط شرکت‌کنندگان این نشست در جهت وضع قوانین تجارت چند جانبه در غالب سیاستهای مشخص در ارتباط با نفت خام و فرآورده‌های نفتی صورت گرفت که این ابتکارات عمدتاً در متن مذاکرات گروهی در مورد فرآورده‌های با منشأ طبیعی قرار داشت. بنا بر یک سری دلایل، نفت خام هرگز در موافقت‌نامه‌های تجاری گات در خلال سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ مطرح نبوده است. با توجه به موافقت‌نامه‌های فعلی سازمان تجارت جهانی، سازمان‌هایی مانند اوپک (OPEC) و اوپک (OAPEC) معتقدند نفت خام از این موافقت‌نامه‌ها استثناء شده‌اند در حالی که سازمان تجارت جهانی (WTO) و کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد، آنکتاد^۱ (UNCTAD) معتقدند اگر چه نفت خام به‌طور خاص در قوانین و مقررات قید نشده اما از آن نیز استثناء نشده است. همانگونه که در حال حاضر موضوع فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی مطرح گردیده زیرا همگان تصدیق می‌کنند فرآورده‌های نفتی و

1. United Nations Conference On Trade And Development

پتروشیمی در زمره مقررات سازمان تجارت جهانی قرار دارند.

توجیهات احتمالی وجود دارد که حتی قبل از ایجاد سازمان تجارت جهانی، نفت خام از فرایند گات حذف شده بود:

۱. گفته می‌شود امضاء کنندگان اولیه گات با یکدیگر به صورت شفاهی توافق کردند^۱ که موضوعات نفتی را مورد بحث قرار ندهند. البته افزایش قیمت‌ها و تحریم‌های نفتی دهه ۱۹۷۰، بحث‌هایی را در مورد کنترل صادرات و سیستم‌های قیمت‌گذاری مطرح ساخته بود.

۲. گات عمدتاً برای کاهش دادن تعرفه‌ها و سایر محدودیت‌های تجاری تدوین شده بود، در حالیکه تعرفه‌های ناچیزی بر واردات نفت خام وجود داشت.

۳. نفت یک کالای بسیار استراتژیک بوده که هم شرکت‌های بین‌المللی و هم دولت‌ها در مجموع قصد داشتند هرگونه تأثیری که یک سازمان بین‌المللی ممکن است بر نفت خام داشته باشد را به حداقل برسانند.

۴. اینکه موضوعات اولیه گات از لحاظ بخش‌هایی که شامل می‌شد و همچنین از لحاظ تعداد اعضاء بسیار محدود بود و بر این اساس بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت و در حال توسعه را در بر نمی‌گرفت. بنابراین اگر چه نفت استثناء بود اما تنها موردی نبود که استثناء شده بود.

۵. علی‌رغم اهمیت استراتژیک نفت، این ماده حجم کوچکی از تجارت جهانی را تا دهه هفتاد میلادی تشکیل می‌داد و تولید و صادرات نفت خام به صورت متمرکز انجام می‌شد.

۶. بعد از تحریم‌ها و افزایش قیمت‌ها در دهه ۱۹۷۰ و افزایش نفوذ اوپک، اغلب کشورهای صادرکننده نفت از اینکه نفت خام در گات مطرح نبوده، خشنود بودند.

۷. کشورهای ذی‌نفوذ گات که عمدتاً کشورهای مصرف‌کننده بودند، با در نظر گرفتن جنبه‌های سیاسی تولید نفت و برای پرهیز از تنش‌هایی که در مورد کنترل منابع نفتی بروز می‌کرد، نفت را از دستور کار مذاکرات گات خارج ساختند.

۸. توافق نامه گات در آن دوره جنبه الزام و اجبار نداشته است.

اما هر چند نفت و موضوعات مرتبط با آن در مذاکرات به طور مستقیم مورد

1. Gentlemen's Agreement

اشاره قرار نمی‌گرفتند، ولی هیچ قانون یا دستورالعملی در مستندات گات یا WTO یافت نمی‌شود که نفت و محصولات مرتبط با آن را از دستور کار مذاکرات خارج نماید. یکسری موضوعاتی مرتبط با نفت در GATT/WTO وجود دارد که به قرار زیر می‌باشد:

الف. محدودیت‌های صادراتی و قیمت‌گذاری دوگانه

مسائل کلیدی در رابطه با تجارت این نوع فرآورده‌ها، اجرای قیمت‌گذاری دوگانه و محدودیت‌های صادراتی بود. اینگونه بحث می‌شود که اجرای قیمت‌گذاری دوگانه، تجارت را توسط قیمت‌های مختلف به نفع صنایع داخلی از طریق محدودیت‌های صادراتی (یا مالیات‌ها) روی مواد خام فلج کرده است. مشابهاً فعالیت‌های متفاوت صادراتی روی مواد خام و فرآورده‌های آن، منجر به عرضه مواد خام با قیمت پایین‌تر از قیمت‌های رایج در بازارهای جهانی می‌شود.

استدلال مخالفان این بود که سیاست‌های مزبور موجب بروز اختلال در روند تجارت آزاد شده و تفاوت قیمتی که به سود صنایع داخلی کشورهای واردکننده ایجاد می‌شود با تجارت آزاد منافات دارد. هر چند قیمت‌گذاری دوگانه در آن زمان مشکل تجاری عمده‌ای ایجاد نمی‌کرد، مخالفان معتقد بودند که این رویه‌ها در آینده به‌ویژه اگر قیمت‌ها دوباره افزایش یابند، اختلافات بیشتری را به وجود خواهد آورد. در نبود چنین محدودیت‌هایی، کشورهای دیگر این محصولات را با قیمت‌های پایین‌تر از قیمت داخلی خواهند خرید. همچنین بحث شد که محدودیت‌های صادراتی (مالیات‌ها) اثری مثل یارانه‌ها برای تولیدکنندگان داخلی و صادرکنندگان دارند که بر طبق آن نهاده‌ها را با قیمت‌های پایین در اختیار آنها خواهند گذاشت.

به‌علاوه گفته می‌شد که موضوع موردنظر، یعنی محدودیت صادرات در مواقع بروز کمبود جدی در داخل، یا به منظور صرفه‌جویی در منابع طبیعی و دستیابی به اهداف توسعه، هیچ تعارضی با مفاد توافقنامه‌های گات ندارد. از این جنبه گروه مذاکره‌کننده پیرامون یارانه‌ها و اقدامات جبرانی باید به بحث دربارهٔ سیاست‌های قیمت‌گذاری معین در حوزهٔ منابع طبیعی (شامل نفت و فرآورده‌های نفتی) که اقدامات جبرانی می‌تواند در مورد آن اعمال گردد، بپردازد.

در متن پیش‌نویس توافقنامهٔ یارانه‌ها و اقدامات جبرانی مصوب ۷ نوامبر ۱۹۹۰، دو ماده در ارتباط با نفت و فرآورده‌های نفتی وجود دارد که این دو ماده عبارتند از

ماده ۱-۲ که مربوط به تشخیص خاص بودن یارانه‌هاست و ماده (e) ۱۴ صادق نبودن تعریف یارانه خاص در مورد محصولات که دولت انحصار عرضه یا خرید آن را در دست دارد.

گرچه مذاکرات گات عمدتاً بر محصولات صنعتی متمرکز بود و کمتر به بحث درباره تجارت مواد خام می‌پرداخت، لیکن موضوعاتی نظیر قیمت‌گذاری دوگانه گاز طبیعی و محدودیت‌های صادراتی در رابطه با آن نیز در مذاکرات دوره‌های مختلف مطرح می‌شد و مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. مثلاً در سال ۱۹۵۰ یک گروه کاری در چارچوب مذاکرات گات به بررسی محدودیت‌های صادراتی مواد خام پرداخت که از سوی دولت‌ها برای تضمین فراهم بودن مواد خام مورد نیاز صنایع داخلی وضع می‌شد. اغلب این محدودیت‌ها با قیمت‌گذاری نیز همراه بود به طوری که قیمت مواد مزبور را پایین‌تر از قیمت‌های جهانی نگه می‌داشت. گروه کاری نهایتاً نتیجه گرفت که طبق توافقنامه گات، برقراری هرگونه محدودیت بر صادرات مواد خام برای حمایت از صنایع داخلی که این مواد را مصرف می‌کنند، چه از طریق اعطای یارانه به صنایع داخلی برای خرید این مواد و چه از طریق محدود ساختن عرضه مواد به متقاضیان خارجی، ممنوع است و دولت‌ها باید چنین سیاست‌هایی را کنار بگذارند.

ب. تعرفه‌ها

در مذاکرات دوراروگونه هیچ مذاکره‌ای پیرامون کاهش تعرفه‌های گمرکی نفت و فرآورده‌های نفتی در کشورهای واردکننده (به استثناء تعرفه‌های گمرکی اتحادیه اروپا) صورت نگرفت، زیرا این تعرفه‌ها اساساً بسیار ناچیز بودند؛ هم از این رو که اغلب کشورهای صادرکننده نفت آسیا و آفریقا در سال‌های نخست پیدایش گات (تا اوایل دهه ۱۹۶۰)، عملاً مستعمره بودند و کل زنجیره تولید نفت در این کشورها، تحت کنترل شرکتهای نفت بین‌المللی (بویژه اروپایی) بود. در اروپا نیز نفت چندانی تولید نمی‌شد و از همین رو کشورهای اروپایی تعرفه گمرکی چندانی بر نفت و فرآورده‌های نفتی وضع نمی‌کردند.

اغلب تعرفه‌های گمرکی بر محصولات پتروشیمی در کشورهای توسعه‌یافته تا قبل از مذاکرات دور اروگونه کمابیش ثابت بود، اما پس از این مذاکرات به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت.

هرچند مذاکرات دور اروگوئه نتوانست نرخ‌های تعرفه گمرکی نفت خام و فرآورده‌های نفتی را چندان کاهش دهد، در کاهش تعرفه‌ها برای محصولات پتروشیمی نسبتاً موفق بود. البته این محصولات، سهم چندان در صادرات کشورهای عضو اوپک ندارند. پایین بودن نرخ‌های تعرفه واردات نفت خام در کشورهای توسعه یافته، کاملاً با منافع آنها بعنوان مصرف‌کننده سازگار است زیرا این کشورها قادر به تولید مقادیر کافی نفت برای تأمین نیازهای خود نیستند و به نفت ارزان نیاز مبرم دارند.

ج. مالیات‌ها

سطوح متفاوت نرخ‌های مالیاتی وضع شده بر فرآورده‌های انرژی ممکنست با هدف دستیابی به اهداف سیاسی مختلف مانند افزایش درآمدهای مالی، تأثیر بر تراز پرداخت‌های جاری، برنامه‌های استراتژیک یا زیست‌محیطی به علاوه انجام تعهدات چندجانبه مثل تعهدات ناشی از پروتکل کیوتو باشد. همچنین ممکنست سطوح متفاوت مالیات با هدف حمایت از یک بخش انرژی (یا فرآورده) خاص در برابر رقابت سایر بخش‌ها (فرآورده‌ها) باشد که اغلب بخش (فرآورده) حمایت شده تنها بخش موجود در سطح کشور است. همچنین مالیات‌ها ممکنست با هدف حفظ رقابت بین بخش‌های داخلی وضع شوند. بطور کلی ثابت شده که وضع مالیات، یک ابزار اقتصادی مؤثر در برخورد با مسائل زیست‌محیطی است، گرچه هدف عمده آن، ایجاد درآمد برای ارائه کالاهای عمومی و اطمینان از توزیع رفاه مطابق اهداف اجتماعی می‌باشد.

از نظر کشورهای صادرکننده نفت، مصرف بالا و مالیات‌های سنگین وضع شده بر فرآورده‌های نفتی از سوی کشورهای واردکننده، اثر منفی مضاعفی را بر مصرف این فرآورده‌ها در مقابل سایر منابع انرژی دارد و توانایی کشورهای صادرکننده را برای کسب درآمد از منابع طبیعی خود کاهش می‌دهد. طبق برآورد انجام شده توسط اوپک، کشورهای گروه هفت طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۶ از وضع مالیات بر نفت ۱/۳ تریلیون دلار درآمد کسب نموده‌اند که این رقم با درآمد صادراتی ۸۵۰ میلیارد دلاری تمام کشورهای اوپک در همین دوره قابل مقایسه می‌باشد.

در یک بازار تقریباً کنترل شده، تقاضای بیشتر، لزوماً قیمت‌ها را افزایش نمی‌دهد اما ممکنست بر منافع صادراتی مؤثر باشد. معمولاً مالیات بصورت یکسان بر کالاهای وارداتی و تولید داخل اعمال می‌شود اما از آنجا که به‌دلایل فراوان، تولید داخلی وجود ندارد این مالیات تنها بر محصولات وارداتی وضع می‌گردد.

طبق قوانین تجارت چند جانبه و بویژه ماده ۳ گات ۱۹۹۴، فرآورده‌های وارداتی که «مشابه» فرآورده‌های داخلی یا «رقیب یا جانشین مستقیم» فرآورده‌های داخلی می‌باشند (تاجائیکه به مالیات و قوانین مربوط است) نباید قیمتی بیشتر از محصولات داخلی داشته باشند. مسأله از نظر حقوقی بدینگونه تعبیر می‌شود که آیا فرآورده‌های مختلف انرژی در طبقه فرآورده‌های «مشابه» یا «رقیب یا جانشین مستقیم» قرار می‌گیرند. در این صورت اگر کشوری مالیات‌های متفاوتی (برای مثال بر نفت و زغال سنگ) وضع کرده باشد از تعهدات تجارت چندجانبه تخلف کرده است مگر اینکه دلایل قانونی برای وضع سیستم مالیاتی تبعیض‌آمیز داشته باشد.

هدف، ارزیابی این مسأله از نظر قوانین گات و WTO است که آیا سیستم‌های مالیاتی داخلی که بصورت تبعیض‌آمیز بر فرآورده‌های انرژی وضع می‌شود با قوانین WTO مطابق است.

نفت و موافقتنامه‌های موجود در WTO

۱. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۹۴) رکن اصلی وزیرینای توافقات صورت گرفته در سازمان تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد و مرجع بسیاری از موافقتنامه‌های این سازمان و بویژه موافقتنامه‌های مرتبط با تجارت کالا می‌باشد. گات ۱۹۹۴ در حقیقت موافقتنامه تصحیح و تکمیل شده گات ۱۹۴۷ می‌باشد که در طی مذاکرات ادواری هشت گانه گات، با توجه به تغییرات صورت گرفته در عرصه اقتصاد جهانی و در جهت پاسخگویی به نیازهای اعضا، دچار تغییر و تحول گردیده است. این توافقنامه شامل چهار بخش، ۲۸ ماده و ۹ ضمیمه می‌باشد.

جدای از مواد بخش اول موافقتنامه عمومی در ارتباط با رعایت اصل MFN و جدول امتیازات، که برای همه محصولات تجاری کاربرد دارند، در صورت ورود نفت به مذاکرات سازمان تجارت جهانی، تولید و تجارت این محصول و فرآورده‌های آن، از بسیاری از اصول توافق شده در موافقتنامه عمومی متأثر خواهد گردید. از مهمترین موادی که تولید و تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی را به صورت مستقیم تحت تاثیر قرار خواهند داد، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

ماده سوم: رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی

- ماده یازدهم: حذف کلی محدودیت‌های مقداری
ماده سیزدهم: اجرای غیر تبعیضی محدودیت‌های مقداری
ماده چهاردهم: استثنائات قاعده عدم تبعیض
ماده هفدهم: بنگاه‌های تجاری دولتی
ماده بیستم: استثنائات کلی
ماده سی و هشتم: اصول و اهداف (بخش چهارم - تجارت و توسعه)
ماده سی و هفتم: تعهدات (بخش چهارم - تجارت و توسعه)

علاوه بر موارد مذکور، ماده ششم در ارتباط با حقوق ضد دامپینگ و جبرانی و ماده شانزدهم در ارتباط با یارانه‌ها نیز به تولید و تجارت نفت و فراورده‌های نفتی ارتباط می‌یابد که این موارد در موافقتنامه‌های جداگانه‌ای که برای هر کدام از آنها در WTO تنظیم گردیده، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲. موافقتنامه راجع به یارانه‌ها و اقدامات جبرانی

قبل از مذاکرات دور اروگوئه، مقررات مربوط به یارانه‌ها در ماده «۱۶» گات ۱۹۴۷ و مقررات مربوط به تعرفه‌های جبرانی (تلافی جویانه) در ماده ۱۱ توافقنامه گات ۱۹۴۷ و در قانون عوارض گمرکی جبران یارانه‌های مصوب سال ۱۹۷۹ گنجانیده شده بود. اما در دور اروگوئه همه این موضوعات در قالب یک توافقنامه جامع و جداگانه (باعنوان فوق) تدوین شد. البته مقررات پیش‌بینی شده در مواد ۱۶ و ۶ گات ۹۴ که به این موضوعات اختصاص داشت نیز تا جایی که با توافقنامه فعلی تعارض نداشته باشد، به قوت خود باقیست. در ماده ۱ توافقنامه حاضر، یارانه‌ها بدین صورت تعریف شده‌اند: «هرگونه پرداخت از سوی دولت چه در قالب انتقال مستقیم وجوه یا عدم جمع‌آوری برخی درآمدها یا بخشودگی آنها، یا تأمین خدمات و کالا از سوی دولت (به جز تأسیسات زیربنایی عمومی مثل آب و برق و ...) به بنگاه‌های اقتصادی». طبق این تعریف یارانه‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند: ۱. غیرقابل تعقیب ۲. یارانه‌های غیرمجاز یا ممنوع ۳. یارانه‌های قابل تعقیب. در صورت وجود یارانه‌های ممنوع یا قابل تعقیب، هریک از کشورهای عضو می‌توانند موضوع را در قالب یک شکایت به رکن حل اختلاف ارجاع دهند، یا فرایند بررسی برای برقراری عوارض جبرانی بر واردات خود از کشور مورد نظر را آغاز کنند. در هر صورت راه‌حلی که برای این مسئله مورد استفاده

قرار می‌گیرد همان عوارض جبرانی^۱ است. البته این اقدام فقط زمانی مجاز است که لطمه وارده بر صنایع کشور واردکننده محرز باشد. در سایر موارد (آسیب به منافع کشور واردکننده)، اعضاء می‌توانند به رکن حل اختلاف مراجعه کنند. در واقع اگر لطمه‌ای به صنایع داخلی کشورشاکی وارد نیامده باشد، آن کشور فقط می‌تواند به رکن حل اختلاف مراجعه کند و نمی‌تواند رأساً عوارض جبرانی را وضع کند.

۳. موافقتنامه راجع به حقوق ضد دامپینگ و جبرانی

این توافقنامه که بخشی از مجموعه توافقنامه‌های WTO می‌باشد، چارچوب ویژه‌ای را برای اقدامات ضد دامپینگ فراهم می‌کند. طبق این توافقنامه که همچون یک متن حقوقی دقیق تنظیم شده است (پاراگراف ۱ ماده ۲)، محصول دامپینگ شده محصولی است که به قیمتی پایین‌تر از قیمت معمول خود در بازار داخلی کشور هدف عرضه شده، قیمت صادراتی آن پایین‌تر از قیمت محصولات مشابه در بازار هدف باشد و محصول در کشوری که به آن صادر شده به مصرف برسد.

برای اینکه یک عضو WTO بتواند دست به اقدامات ضد دامپینگ بزند، ابتدا باید ثابت کند که دامپینگ روی داده است. سپس باید ثابت شود که این عمل، لطمه‌ای جدی به صنایع داخلی کشور واردکننده می‌زند یا روند توسعه صنایع داخلی را مختل می‌سازد و سرانجام باید رابطه علت - معلولی میان دامپینگ و لطمه وارده به صنایع داخلی، روشن شود.

این توافقنامه نیز می‌تواند بر صدور فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی تأثیرات مهمی داشته باشد. عرضه انرژی، نفت و گاز ارزان به این صنایع در کشورهای صادرکننده نفت و گاز همواره در نظر سایر کشورها، عاملی برای دامپینگ در کشورهای واردکننده محسوب شده است. طبق ماده ۲ توافقنامه، این عامل تنها در صورتی دامپینگ تلقی می‌گردد که عرضه نهاده‌های تولیدی با قیمت‌های ترجیحی فقط محدود به صنایع صادراتی باشد. در کشورهای صادرکننده نفت، مواد خام ارزان (نفت یا گاز) تقریباً بطوریکسان در اختیار صنایع صادراتی و غیر صادراتی قرار می‌گیرد و از این جنبه نمی‌توان آن را مصداق دامپینگ دانست. در چارچوب WTO، اقدامات

1. Countervailing duties

ضد دامپینگ فقط می‌بایست توسط دولتها به اجرا درآید نه توسط بخش خصوصی. بعلاوه چنانچه دولت متبوع تصمیم به چنین اقدامی بگیرد، باید برای اخذ مجوز به شورای تجارت کالای WTO مراجعه کند. همچنین کشور عضو که دامپینگ علیه آن انجام گرفته می‌تواند به رکن حل اختلاف مراجعه و خواهان تشکیل یک هیئت رسیدگی شود. این هیئت نمی‌تواند در مورد شکایات مربوط به دامپینگ اظهار نظر کند بلکه باید صرفاً صحت تحقیقات و اطلاعات ارائه شده از سوی کشور شاکی را بررسی نموده و ارزیابی کند.

در هر حال ورود نفت به مذاکرات WTO و عضویت کشورهای صادرکننده نفت در این سازمان می‌تواند بطور موثری بر کاهش این گونه عوارض و تعرفه‌ها منجر شود.

۴. توافقنامهٔ راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (TRIMs)

دامنهٔ توافقنامهٔ TRIMs محدود به اقداماتی است که در خصوص تجارت کالاها و خدمات صورت می‌گیرد و ارتباطی به سیاست سرمایه‌گذاری (به معنای عام آن) ندارد، ولی به اقداماتی که ناقض مفاد گات، از جمله مادهٔ ۳ (رفتار ملی) و مادهٔ ۶ (حذف عمومی محدودیتهای مقداری) هستند و تجارت بین‌المللی را مختل می‌کنند، مربوط می‌شود.

آن دسته از اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت که موضوع این توافقنامه را تشکیل می‌دهند، در متن توافقنامه به شرح ذیل معرفی شده‌اند:

- اقدامات مرتبط با قاعده رفتار ملی، نظیر «الزامات مربوط به تأمین درصد معینی از مواد و مصالح» به کار رفته در محصولات صادراتی یا غیر صادراتی، از داخل کشور^۱.

- اقدامات مرتبط با قاعده منع محدودیت‌های مقداری، نظیر الزامات متعادل‌کنندهٔ تجارت خارجی و کنترل صادرات^۲ که شامل محدود نمودن واردات برای تولید داخلی (مثلاً ملزم نمودن خودروسازان داخلی به استفاده از قطعه‌سازان داخلی و محدود نمودن واردات قطعه توسط آنان)، یا مشروط نمودن الزامات صادراتی به میزان واردات انجام شده برای تولید محصول صادراتی، و همچنین محدود نمودن دسترسی شرکتها به ارز خارجی، می‌باشد.

به‌طور کلی هدف TRIMs جلوگیری از اعمال سیاست‌هایی توسط دولت‌هاست که سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی در کشورها را مشروط به رعایت ضوابطی مغایر با اصول WTO و مختل‌کننده روند تجارت آزاد بین‌المللی، می‌نمایند. از آنجا که توافقنامه TRIMs اساساً موضوع عرضه کالا و خدمات برای تولید محصول در داخل کشورها را تحت پوشش قرار می‌دهد، به کشورهای صادرکننده نفت اجازه نخواهد داد پالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی خود را مجبور کنند تا به‌جای واردات نفت و مواد خام مورد نیاز خود از خارج، این مواد را صرفاً از داخل تأمین کنند. به همین ترتیب TRIMs دولت‌ها را از محدود ساختن خریدهای شرکت‌های نفتی به بازارهای داخلی، منع خواهد ساخت.

همچنین از آنجا که این توافقنامه حاوی هیچ ماده و مقرراتی در رابطه با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) نیست، بعید به نظر می‌رسد که تأثیر مستقیمی بر بخش‌های بالادستی صنعت نفت کشورهای صادرکننده نفت داشته باشد. دبیرخانه اوپک به درستی تشخیص داده است که TRIMs به گونه فعلی آن، پیامدهای چندانی مهمی برای کشورهای صادرکننده نفت ندارد. در حال حاضر هیچ اجبار و الزامی برای گشودن صنعت نفت به روی شرکت‌های نفتی خارجی و فراهم نمودن دسترسی آزاد آنها به ذخایر نفتی، پالایشگاه‌ها یا بازارهای خرده‌فروشی نفت و فرآورده‌های نفتی، وجود ندارد. اما اگر در آینده تغییرات اعمال شده در توافقنامه TRIMs با گسترش دامنه مشمول مقررات به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همراه باشد، کشورهای صادرکننده نفت با وضعیت متفاوتی رو به‌رو خواهند شد.

البته مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری و سیاست‌های دولت‌ها در این زمینه فقط محدود به TRIMs نمی‌باشد. مثلاً در توافقنامه تجارت خدمات (GATS) اصل رفتار ملی در خصوص خدمات نیز اعمال گردیده است و طبعاً از آنجا که آرایه خدمات در مقیاس وسیع محتاج سرمایه‌گذاری و استقرار تأسیسات می‌باشد؛ می‌توان این توافقنامه را نیز بطریقی مرتبط با سرمایه‌گذاری دانست، کما اینکه "GATS" با موضوعات دیگری نظیر انحصارات دولتی و غیر دولتی و رویه‌های مدیریت بازرگانی هم سر و کار دارد.

۵. موافقتنامه راجع به موانع فنی بر سر راه تجارت

موافقتنامه TBT شامل لیستی از موضوعات قانونی است که مقررات فنی باید براساس

آنها تنظیم گردند. در این لیست موضوعات زیست محیطی نیز قرار دارد و از آنجایی که نفت و فرآورده‌های نفتی بطور مستقیم بر محیط زیست تاثیر می‌گذارند در صورت ورود نفت به مذاکرات WTO تولید و تجارت جهانی آن از موافقتنامه مذکور نیز متاثر خواهد گردید. تعدادی از قواعد پذیرفته شده در موافقتنامه TBT مستقیماً با کشورهای صادرکننده نفت ارتباط می‌یابند.

اولاً؛ این موضوع مطرح می‌شود که در صورت ورود نفت به مذاکرات WTO و حذف استانداردها و مقررات فنی غیرضروری از جانب سایر کشورهای عضو واردکننده نفت و فرآورده‌های نفتی، دسترسی این کشورها به بازار و به‌ویژه بازارهای شرکای تجاری عمده افزایش می‌یابد. به عنوان مثال بر اساس اصل رفتار ملی، آمریکا باید استانداردهای غیرضروری که بر واردات بنزین از ونزوئلا وضع کرده (و بنزین تولید داخل نیز از این استانداردها بهره‌مند نیست) را از میان بردارد که این امر موجب دسترسی ونزوئلا به بازار بنزین آمریکا خواهد گردید.

ثانیاً؛ یکسان‌سازی استانداردها و مقررات فنی موجب می‌گردد که استانداردها در سطحی بین‌المللی و با همکاری تمامی کشورهای جهان، از جمله کشورهای در حال توسعه به تصویب برسند و این مانع از آن خواهد گردید که استانداردهای بالایی که از جانب کشورهای توسعه یافته وضع می‌گردند، مانعی جدی بر سر راه صادرات کشورها به وجود آورد. به‌علاوه هماهنگ شدن کشورهای در حال توسعه با استانداردهای جهانی این امکان را به آنها می‌دهد که به تمامی بازارهای جهانی دسترسی داشته باشند. البته این امر در ارتباط با نفت و فرآورده‌های نفتی بستگی به این خواهد داشت که یکسان‌سازی مقررات فنی و استانداردها در چه سطحی به انجام برسد، به ویژه با تاکیداتی که در چند سال اخیر به محیط زیست معطوف شده و توجه به آن در تمامی جهان، روندی رو به رشد دارد، می‌تواند موانعی جدی بر سر راه تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی به وجود آورد.

۶. موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات

موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات شامل شش بخش، بیست و نه ماده و هشت ضمیمه است. GATS در مورد همه اقداماتی که برای تجارت خدمات به کار می‌روند، کاربرد دارد چه در شکل قوانین، مقررات، فرایندها، تصمیمات، اقدامات مدیریتی و غیره. اهداف آن شامل توسعه تجارت خدمات «به عنوان وسیله افزایش رشد اقتصادی

تمامی طرفین معامله و پیشرفت کشورهای در حال توسعه» می‌باشد. ساختار موافقتنامه در چهار اصل اساسی قرار دارد:

۱. تعریف تجارت خدمات براساس نحوه عرضه - عرضه فراملی، جا به جایی مصرف‌کنندگان، حضور بازرگانی، و تحرک افراد حقیقی به عنوان عرضه‌کنندگان خدمات.

۲. تعهدات عمومی و دستورالعمل‌ها، قابل تعقیب در تمام بخش‌های خدمات، جز در مورد «خدماتی که درحوزه حاکمیت دولتی عرضه می‌شوند» - که به معنای «هر خدماتی است که نه در یک بستر تجاری و نه در رقابت با یک یا چند عرضه‌کننده خدمات ارائه می‌شود.» (با معافیت خاص که با توجه به عملکرد اصل MFN فراهم می‌شود).

۳. تعهدات خاص، که مورد بحث قرار گرفته و شامل فهرست تعهداتی می‌شود که دسترسی به بازار و قاعده رفتار ملی، همچنین تعهدات اضافی را که ممکن است در بخش‌های خدماتی خاص به‌دست آید را در برمی‌گیرد.

۴. مفهوم آزادسازی تصاعدی که از طریق مذاکرات و گفتگوها قابل تعقیب است، خدمات مربوط به انرژی شامل طیف کاملی از فعالیت‌ها می‌شود (از جستجو برای مواد خام گرفته تا توزیع محصولات نهایی). خدمات زیر را می‌توان خدمات اصلی انرژی خواند: اکتشاف، حفاری، پالایش، حمل و نقل، انتقال، توزیع، بازیافت مواد اضافه و زاید. خدمات دیگر شامل مشاوره، طراحی و مهندسی، ساخت، ذخیره، حفاظت از شبکه و خدماتی می‌شود که مربوط به توزیع هستند مانند سنجش و تنظیم صورت‌حساب.

این موافقتنامه اگر چه که به‌طور مستقیم تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد، اما به واسطه تاثیر مهمی که بر تولید نفت دارد به صورت غیرمستقیم تجارت آنرا دستخوش تحول می‌سازد و این امر از طریق به‌وجود آمدن تغییر و تحولاتی است که در ساختار خدمات مرتبط با نفت به انجام خواهد رسید.

به‌طورکلی خدمات مرتبط با نفت شامل محدوده وسیعی است که از خدمات مرتبط با اکتشاف و استخراج نفت تا خدمات مرتبط با توزیع محصولات نهایی را شامل می‌گردد. فعالیت‌های مرتبط با اکتشاف، حفاری، پالایش، حمل و نقل، توزیع و مدیریت را می‌توان هسته اصلی خدمات مرتبط با نفت شمرد. سایر خدمات مرتبط با نفت را می‌توان شامل خدمات مشاوره‌ای، خدمات طراحی و مهندسی، انبارداری و...

دانست که در مجموع نقش قابل توجهی در تجارت جهانی نفت ایفا می‌نمایند. در ارتباط با خدمات مرتبط با انرژی بطور اخص خدمات مرتبط با نفت باید گفت که این فعالیتها به شدت تحت تاثیر ساختار بازار نفت قرار دارند. در اکثر کشورهای جهان صنعت یا در انحصار دولتها قرار دارند و یا در اختیار عرضه کنندگان خصوصی، که به شدت به صورت عمودی ادغام شده‌اند و انحصارات گسترده ای به وجود آورده اند، می باشد. بدین صورت در ساختار کنونی بازار نفت تمامی فعالیتهای مرتبط با صنعت نفت و از جمله خدمات مرتبط با آن در کنترل دولتها و یا شرکت‌های خصوصی است، و این امر موجب گردیده که رقابت در این فعالیتها به کمترین سطح خود برسد. براین اساس در صورت ورود نفت و فرآورده‌های نفتی به مذاکرات WTO این فعالیت‌های خدماتی که نقش قابل ملاحظه‌ای در صنعت جهانی نفت دارند، نیز مشمول توافقات آزادسازی GATS خواهند گردید که می‌تواند اثرات متفاوتی را بر کشورهای مختلف بر جای بگذارد.

کشورهای صادرکننده نفت و GATT / WTO

در دوره‌های نخست مذاکرات تجاری گات، فقط اندونزی (۱۹۵۰)، نیجریه (۱۹۶۰) و کویت (۱۹۶۳) در گات عضویت داشتند.

کشورهای صادرکننده نفت باید این واقعیت را بپذیرند که دیر یا زود ناچار خواهند شد تا در سیاست‌گذاری‌های خود تجدید نظر کرده و روش تدوین سیاست‌های نفتی خود را به‌ویژه در موضوعات مرتبط با یارانه انرژی، سرمایه‌گذاری خارجی و خدمات بخش انرژی، با نظام نوین تجارت آزاد جهانی تطبیق دهند. با توجه به اهمیت درآمدهای حاصله از صدور نفت برای کشورهای صادرکننده و نقش این منبع مهم انرژی در برنامه‌های توسعه کشورهای مزبور، روند آزادسازی و مقررات‌زدایی در بخش نفت، تبعات اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت.

بسیاری مقررات و قوانین مربوط به نفت در گات بدواً تحت عنوان مقررات اختیاری معرفی، ولی متعاقباً به صورت قواعد اجباری و الزام‌آور به مجموعه مقررات WTO اضافه شدند. پس از ملی شدن صنعت نفت در اغلب کشورهای صادرکننده نفت و در خلال نخستین بحران نفتی دهه ۱۹۷۰، ایالات متحده تلاش‌هایی را در جریان مذاکرات تجاری دور توکیو (۱۹۷۳-۱۹۷۹) برای مطرح کردن محدودیت صادرات و مالیات بر صادرات نفت آغاز کرد. آغازگر این حرکت دولت نیکسون بود که در سال

۱۹۷۳ برنامه محدودیت (سه‌می‌بندی) اجباری واردات نفت را به‌دلیل کمبود عرضه داخلی لغو و به‌طور موقت صادرات آن را ممنوع اعلام کرد. ولی اقدام دولت نیکسون با مخالفت‌های جدی از سوی کشورهای صنعتی (ژاپن، فرانسه، کانادا) و کشورهای در حال توسعه رو به‌رو شد و عمدتاً ناکام ماند. در دهه ۱۹۷۰ انتقاد علیه شرکت‌های چند ملیتی بالا گرفت. بحث‌های انتقادی حول محور وظایف و تعهدات شرکت‌های نفتی چند ملیتی و ضرورت کنترل فعالیت‌های آنها از سوی دولت‌ها دور می‌زد. در این میان سازمان ملل ضوابط اداره شرکت‌های چند ملیتی را تدوین کرد. هدف از انجام این کار این بود که حق مالکیت ملت‌های رها شده از استعمار تامین شود و این در خواست تحت عنوان اعمال حق حاکمیت ملی بر منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی بیان می‌شد.

اعضای WTO در مذاکرات خود پیرامون تجارت خدمات، سرگرم مذاکره بر سر تعاریف و ارایه طبقه‌بندی خاصی برای خدمات انرژی بوده‌اند (و این مذاکرات هنوز به تعهداتی در زمینه دسترسی به بازار یا رفتار ملی نینجامیده است). ایالات متحده و اتحادیه اروپا در این خصوص پیشنهادهای ارائه کرده‌اند. در هر دو این پیشنهادات سعی شده است یک طبقه‌بندی از خدمات انرژی ارائه شود که (از دیدگاه منافع آمریکا و اتحادیه اروپا) منعکس‌کننده واقعیت‌های بخش انرژی بوده و خدمات بسیار متنوعی را که کل زنجیره خدمات انرژی را تشکیل می‌دهند در بر بگیرد. طرح پیشنهادی ایالات متحده مبتنی بر این فرض است که دولت‌ها در کشورهای تولیدکننده نفت دست به خصوصی‌سازی گسترده‌ای زده‌اند و بسیاری از شرکت‌های تحت تملک خود را به بخش خصوصی واگذار نموده و بدین طریق فرصت‌های ویژه‌ای برای ارائه خدمات از سوی بخش خصوصی خارجی، فراهم شده است.

البته، تلاش‌هایی از سوی برخی کشورهای صاحب نفت برای تعدیل اثرات قوانین گات بر بخش نفت صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. در سال ۱۹۸۶، رئیس هیئت نمایندگی کانادا در مذاکرات دور اروگوئه اظهار داشت: «سیاست‌های قیمت‌گذاری منابع طبیعی، از آنجا که به حق حاکمیت ملی و نیز به مزیت‌های نسبی ارتباط پیدا می‌کند، برای تمامی کشورهای عضو گات اهمیت اساسی دارد. تمام کشورهای عضو گات مایل به تضمین این امر بودند که حق حاکمیت ملی آنها در بهره‌برداری از منابع طبیعی خود و نیز مزیت نسبی عمومی کشورهای

تولیدکننده منابع طبیعی به رسمیت شناخته شود.» کانادا به خصوص معتقد بود که حق یکجانبه اقدام جبرانی که طبق ماده ۶ توافقنامه گات به اعضاء داده شده بود و نیز قانون "یارانه‌ها و اقدامات جبرانی" با این هدف تدوین نشده‌اند که مزیت نسبی یک کشور را در تجارت خارجی نفی کنند و اگر چنین استفاده‌ای از قوانین مصوب گات شود، اثرات سوء آن دامنگیر همه کشورهای عضو خواهد شد.

۲. زمانی که مکزیک به عنوان یک تولیدکننده نفت غیراوپک، تقاضای پیوستن به گات را مطرح کرد، جنبه‌هایی از سیاست‌های صادراتی نفت‌خام در مذاکرات گات مطرح شد. در سال ۱۹۸۶، مکزیک عبارتی را به پاراگراف پنجم پروتکل الحاق خود به گات، اضافه نمود.

سیاست اوپک در سهمیه‌بندی تولید نفت را می‌توان یک محدودیت مقداری بر صادرات تلقی کرد که در تناقض آشکار با قواعد اصلی گات و سازمان تجارت جهانی است. سهمیه‌بندی اوپک، تولید را محدود می‌کند نه صادرات را. البته کشورهای صادرکننده نفت برای توجیه سهمیه‌بندی‌های اوپک می‌توانند بند "g" ماده ۲۰، توافقنامه گات را مبنا قرار دهند. همچنین استثناء مربوط به امنیت ملی، مندرج در ماده ۲۱ توافقنامه گات، می‌تواند محدودیتهای صادرات و واردات نفت و فرآورده‌های نفتی را تحت شرایط معینی توجیه کند. از طرفی امروزه، مانع اصلی تجارت بین‌المللی فرآورده‌های نفتی، تعرفه‌ها نیستند، بلکه مالیاتهای سنگینی است که دولتها در کشورهای صنعتی بر مصرف این محصولات بسته‌اند. البته در صورتیکه این مالیات به طور یکسان و عاری از تبعیض بر تولید داخلی و واردات آن محصول اعمال شود، هیچ خللی در قواعد اصلی گات ایجاد نمی‌کند. در واقع از آنجا که این مالیاتها بدون هیچ تبعیض به طور یکسان بر تولید داخلی و واردات نفت و فرآورده‌های نفتی اعمال می‌شود، این رویه منافاتی با قاعده "رفتار ملی" ندارد. البته حق حاکمیت ملی از این جنبه توسط پاراگراف ۴ ماده ۳ توافقنامه گات ۹۴ محدود شده است که بیان می‌دارد "نه تنها برخورد با محصولات وارداتی باید با محصولات تولید داخلی یکسان باشد، بلکه این محصولات باید با محصولات مشابه نیز در شرایط یکسانی قرار داشته باشند". بنابراین وضع مالیات نابرابر بر فرآورده‌های نفت و زغال‌سنگ مغایر با اصل رفتار ملی است. همچنین در کشورهایی که هیچ نوع سوختی را در داخل تولید نمی‌کنند، وضع مالیات متفاوت بر واردات نفت، فرآورده‌های نفتی و زغال‌سنگ نیز تخطی از قاعده دولت کامله‌الوداد است.

در هر صورت، اگر بپذیریم وضع مالیات داخلی بر فرآورده‌های نفتی و محدود ساختن صادرات توسط تولیدکنندگان نفت، موضوعات مرتبط به حوزه حاکمیت ملی کشورها تلقی می‌شوند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیاست کشورهای صادرکننده نفت مبنی بر تأثیرگذاری بر قیمت‌های جهانی نفت از طریق محدود ساختن تولید و صادرات آن در چارچوب اوپک، یا خارج از آن و سیاست کشورهای واردکننده در جهت تأثیرگذاری بر قیمت نهایی فرآورده‌های نفتی در بازارهای داخلی خود از طریق اجرای یک رشته سیاست‌های انرژی، مالی و زیست‌محیطی، دو ابزار مجاز برای مقابله این دو گروه کشورها با سیاست‌های یکدیگر است.

اگر کشورهای تولیدکننده نفت طبق بند "g" ماده ۲۰ توافقنامه گات، بتوانند ثابت کنند که سیاست سهمیه‌بندی تولید آنها از موارد استثناء اصل محدودیت‌های مقداری است، از طریق سایر توافقنامه‌های WTO جهت اعمال حق حاکمیت خود بر منابع طبیعی و سیاستگذاری انرژی، همچنان تحت فشار خواهند بود. توافقنامه‌های WTO الزامات متعدد دیگری را در زمینه استفاده از منابع طبیعی بر همه کشورهای تحمیل می‌کنند که مشخصاً کشورهای صادرکننده نفت را در بهره‌برداری از ذخائر طبیعی خود برای رسیدن به توسعه صنعتی و اقتصادی با محدودیت روبه‌رو می‌سازد. مقررات مربوط به یارانه‌ها و مقررات ضد دامپینگ، محدودکننده بسیاری از سیاستهای کشورهای صادرکننده نفت در جهت توسعه اقتصادی است. سیاستهای توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه و به ویژه اوپک، با موانع دیگری نیز در چارچوب اقدامات سرمایه‌گذاری مربوط به تجارت روبه‌روست. آنچه مسلم است توافقنامه‌های WTO بر بخش نفت مؤثر هستند و می‌توانند ظرفیت و توانائی کشورهای صادرکننده نفت در بهره‌برداری از ذخائر طبیعی خود (اعمال حق حاکمیت) برای تسریع و پیشبرد روند توسعه صنعتی و اقتصادی را محدود کنند. از طرفی باید توجه شود که علیرغم وجود هزینه‌های مذکور و محدود شدن حق حاکمیت دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع و سیاستگذاری بخش نفت، امروزه، پیوستن به WTO به سادگی گذشته نیست و کشورهای تازه‌ای که به تازگی می‌خواهند عضو این سیستم شوند، باید هزینه‌های به مراتب سنگینتری از گذشتگان بپردازند. به عبارتی تهدید حاکمیت ملی برای آنها بیشتر شده است. به عنوان مثال از کشور عمان در جریان مذاکرات الحاق درخواست شد تا به عضویت توافقنامه‌های چندگانه درآید. همچنین عمان پذیرفت که طبق ماده ۱۷

توافقنامه گات، شرکت ملی نفت عمان به عنوان یک شرکت بازرگانی دولتی اداره شود و بخش خدمات خود، شامل خدمات اکتشاف ذخائر نفتی و توزیع انرژی برق را بی‌قید و شرط به روی رقابت بین‌المللی گشود. همچنین توافقنامه اختیاری خریدهای دولتی را امضا کرد. در واقع با امضای پیمان خریدهای دولتی، قابلیت استفاده از اهرمهای سیاسی اقتصادی برای رونق بخشیدن به کسب و کار شرکت‌های داخلی از طریق خریدهای عمده دولتی را از بین برد. قابل توجه اینکه اینگونه خریدهای دولتی، منجر می‌شود که شرکت‌های بزرگ داخلی در مناقصه‌ها تحت شرایطی کاملاً برابر با رقبای خارجی شرکت کنند و به رقابت بس دشوار تن در دهند.

برخی از اهداف اوپک با برخی از مفاد توافقنامه‌های کالایی که به پیش‌نویس منشور سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) الحاق شده بود، ارتباط و همخوانی دارد. مثلاً در بندهای ۵۴ و ۵۸ منشور مذکور، به این موضوع اشاره شده که موضوع توافقنامه‌های کالایی، سیاست‌های کنترل تولید یا اعمال کنترل‌های مقداری بر صادرات مواد خام است که با هدف کاهش نوسانات قیمت آن کالاها در بازار بین‌المللی، برای دستیابی به سطح معقولی از ثبات بر مبنای تعیین قیمت‌های عادلانه برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، صورت می‌گیرد.

اما اهداف اوپک و اساسنامه آن از همه جنبه‌ها با یک توافقنامه کالایی مطابقت ندارد، زیرا الزامات مهم چنین توافقنامه‌هایی را که شامل آزادی مشارکت تمامی اعضای بالقوه (تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت)، و موقتی بودن است، رعایت نمی‌کند.

در ماه مارس سال ۲۰۰۰ میلادی، اوپک رسماً از سازمان تجارت جهانی درخواست کرد تا به‌عنوان ناظر در جلسات کمیته‌های مختلف این سازمان، از جمله شورای عمومی، کمیته تجارت و توسعه، و کمیته تجارت و محیط زیست شرکت داده شود. البته کشورهای عضو اوپک نمی‌توانند بر نتایج مذاکرات گات و سازمان تجارت جهانی تاثیر بگذارند زیرا آنها در پی‌ریزی این معاهدات نقشی نداشتند (بیشتر آنها عضو نبودند و عقیده داشتند که وضعیت استراتژیک نفت برای مستثنی شدن از هر نوع قوانین تجاری چندجانبه کافی است)، در نتیجه هیدروکربورها از مذاکرات گات کنار گذاشته شدند. در مقابل، تجارت محصولات صنعتی دارای نقش محوری در این توافقات هستند که منعکس‌کننده نگرانی کشورهای درگیر در این گفتگوها بوده است.

در مورد دوره‌های مذاکراتی آتی، کشورهای عضو اوپک فرصت دارند تا بصورت

فعال شرکت نمایند. با وجود این، نیل به توافق یک فرآیند مشکل می‌باشد. امروزه، این کشورها هزینه دورماندن از مذاکرات ۵۰ ساله سیستم گات و سازمان تجارت جهانی را می‌پردازند.

اعضای جدید، هزینه‌های بالاتری را پرداخت می‌نمایند، در حال حاضر فرآیندالحاق نیازمند تغییرات اقتصادی، سیاسی و قانونی عمیق‌تری نسبت به گذشته می‌باشد.

با توجه به توسعه گستره قوانین و توافقات سازمان تجارت جهانی به موارد جدید، منطقی است که اعتقاد داشته باشیم چارچوب قانونی آن، به‌منظور اثرگذار شدن بر روابط بین‌المللی اقتصادی بین اعضاء و کشورهای غیرعضو، امکان افزایش دارد.

با توجه به اینکه کشورهای عضو اوپک جزء کشورهای در حال توسعه بوده و اقتصاد آنها متکی بر ذخایر طبیعی می‌باشد، اثرات WTO بر این کشورها بر حق حاکمیت بر ذخایر طبیعی و مزیت‌های نسبی آنها متمرکز می‌باشد. این کشورها، ممکن است در استفاده از مزایای نسبی ذخایر طبیعی خود به‌منظور توسعه، با محدودیت‌هایی مواجه باشند، آنها بایستی با این حقیقت رو به رو شوند که سیاست‌های سنتی آنها احتمالاً بایستی مورد بازبینی قرار گرفته و با سیستم جدید سازگار شود.

همچنین کشورهای عضو اوپک می‌توانند از مزایای قواعد ویژه برای کشورهای در حال توسعه در WTO استفاده کنند. عربستان سعودی و الجزایر نیز به عنوان کشورهای هستند که مراحل عضویت را پشت سر می‌گذارند و در حال مذاکره برای پذیرفته شدن به‌عنوان کشورهای در حال توسعه هستند. البته این دو کشور باید بتوانند دلایل در حال توسعه بودن خود را ثابت کنند. البته این کار آسان نخواهد بود، زیرا کشورهای عضو WTO امروزه در برابر این ادعا مقاومت کرده و به سادگی نمی‌پذیرند که این امتیازات را به کشوری اعطا کنند. دبیرخانه اوپک در این رابطه بر بندهایی از بخش چهارم توافق‌نامه گات^۱ که در آنها کشورهای متکی به صادرات مواد خام T کشورهای در حال توسعه نامیده شد؛ انگشت گذاشته است تا اثبات کند که کشورهای عضو اوپک، کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند. مثلاً بند ۳۶ به این نکته اشاره دارد که: ... ضروریست به مؤثرترین شیوه، شرایط مساعدی برای دسترسی صادرکنندگان این کالاها به بازارهای

جهانی (مواد خام) فراهم شود، به اقتضای شرایط، سیاست‌هایی برای برقراری ثبات و بهبود شرایط در بازارهای جهانی این محصولات و به‌ویژه ثبات قیمت‌ها به مورد اجرا گذاشته شود. همچنین در بند ۳۸ آمده است: ... در صورت امکان، با اتخاذ تمهیدات مؤثر در چارچوب ترتیبات بین‌المللی،... شرایط مساعد و ثبات لازم در بازار بین‌المللی این محصولات (موادخام)، فراهم شود تا صادرکنندگان بتوانند به قیمت‌های عادلانه‌ای محصولات خود را عرضه کرده و از ثبات قیمت در بازار برخوردار باشند».

در زمینه مذاکرات آتی مسائلی وجود دارند که کشورهای عضو اوپک بایستی برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود دیدگاه‌ها و منافع خود را در مورد آنها هماهنگ سازند، که عبارتند از توجه به مواردی که باعث اعوجاج در تجارت نفت می‌شوند (مانند مالیات بر نفت خام و فرآورده‌های نفتی و مسائل زیست‌محیطی در کشورهای مصرف‌کننده) و همچنین توجه به این نکته که تاکنون مالیات بر مصرف نفت خام و فرآورده‌های نفتی و سیاست‌های تجاری، به‌خودی‌خود سدی در مقابل تجارت بین‌المللی نفت خام نبوده است.

تلاش برای کاهش جریان نفت، در چارچوب سیاست‌های مالی، زیست‌محیطی و انرژی رخ نموده‌اند و تجارت فرآورده‌های نفتی با وضع مالیات‌های سنگین در کشورهای عمده مصرف‌کننده رو به‌رو هستند.

کشورهای صادرکننده توجه خود را به حذف این مالیات‌ها بعنوان یک حربه برای کنترل مصرف و آسیب‌رساندن به توانایی این کشورها برای کسب درآمد از منابع طبیعی خود، معطوف نموده‌اند.

البته شایان توجه است که تا زمانی که این مالیات‌ها به شکل غیرتبعیض‌آمیز بر تولیدات داخلی کشورهای مصرف‌کننده و فرآورده‌های وارداتی وضع شوند، هیچ مغایرتی با قوانین گات ندارند. البته این به این معنی نیست که این موارد قابل مذاکره نباشند. عنصر کلیدی این است که هر دو مورد مالیات و صیانت از منابع طبیعی می‌تواند تحت عنوان مسئله حاکمیت ملی طبقه‌بندی شود.

یکی از چالش‌های عمده کشورهای صادرکننده نفت، اثبات این نکته است که سیاست‌ها و معیارهای زیست‌محیطی، ابزارهای حفاظتی نمی‌باشند. هیچ شکی وجود ندارد که ارتباط بین تجارت و محیط‌زیست، مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین چالشی است که سیستم تجارت چندجانبه با آن مواجه می‌باشد. علی‌رغم اجماع در مورد حفاظت از محیط‌زیست، بخوبی آشکار است که معیارهای زیست‌محیطی توسط حمایت‌گرایان

افراطی به کار می‌رود که باعث بروز اثرات زیان‌باری برای کشورهای در حال توسعه بالاخص کشورهای صادرکننده نفت (و در کل صادرکنندگان سوخت‌های فسیلی) می‌باشد و در این زمینه، کشورهای صادرکننده نفت، با موضوع معیارهای زیست‌محیطی در هر دو سطح ملی و بین‌المللی مواجه می‌باشند.

نتیجه‌گیری

بدون تردید سازمان تجارت جهانی یکی از مهمترین سازمانهای بین‌المللی است که می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر عملکرد اقتصاد جهانی داشته باشد. WTO نسبت به سلف خود گات که خود برآمده و محصول آن می‌باشد، پیچیده‌تر و جامع‌تر است. گات علی‌رغم ماهیت موقت آن و با وجود خلاصه بودن مفاد آن، توانست در دوره عمر خود با استفاده از تجارب انباشته شده طی نزدیک به ۵ دهه، یک سیستم چند جانبه تجاری را به وجود بیاورد. روند تکاملی گات می‌تواند در WTO نیز تداوم بیابد. در واقع، بسیاری از توافقات حاصله در دور اروگوئه شامل بندهایی است که مذاکره بر سر مقررات تکمیلی در زمینه یارانه‌ها، خدمات، سرمایه‌گذاری و سیاست‌های رقابتی را در دوره‌های آتی مذاکرات پیش‌بینی کرده‌اند. در دوره‌های نخست مذاکرات تجاری گات، از کشورهای صادرکننده نفت فقط اندونزی (۱۹۵۰)، نیجریه (۱۹۶۰) و کویت (۱۹۶۳) در گات عضویت داشتند.

کشورهای صادرکننده نفت باید این واقعیت را بپذیرند که دیر یا زود ناچار خواهند شد تا در سیاست‌گذاری‌های خود تجدید نظر کرده و روش تدوین سیاست‌های نفتی خود را بویژه در موضوعات مرتبط با یارانه انرژی، سرمایه‌گذاری خارجی و خدمات بخش انرژی، با نظام نوین تجارت آزاد جهانی تطبیق دهند. با توجه به اهمیت درآمدهای حاصله از صدور نفت برای کشورهای صادرکننده نفت و نقش این منبع مهم انرژی در برنامه‌های توسعه کشورهای مزبور، روند آزادسازی و مقررات‌زدایی در بخش نفت، تبعات اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت.

با توجه به گسترش روزافزون دامنه مشمول مقررات و موضوعات تحت پوشش WTO و افزایش مستمر ضمانت اجرایی مقررات آن، بی‌هیچ تردیدی در آینده ظرفیت تأثیرگذاری این سازمان بر روابط اقتصادی میان کشورهای عضو و غیر عضو به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت.

با در نظر گرفتن این امر که اغلب کشورهای صادرکننده نفت، کشورهای در حال توسعه و متکی بر یک نوع ذخیره طبیعی هستند، عمده‌ترین تأثیر قوانین WTO بر این کشورها، متمرکز بر حق اعمال حاکمیت ملی آنها بر منابع طبیعی‌شان است که یگانه منشأ مزیت نسبی آنها در تجارت خارجی به شمار می‌آید. مقررات و توافقنامه‌هایی که WTO تصویب می‌کند یا تفسیرهایی که از آنها می‌شود، می‌تواند توانایی این کشورها را در بهره‌برداری از مزیت نسبی منابع طبیعی خود برای رسیدن به توسعه اقتصادی، محدود کند. این کشورها ناگزیر باید بپذیرند تداوم سیاستهای آنها در بخش نفت، همچون گذشته میسر نبوده و آنها باید سیاستهای خود را با مقتضیات نظام نوین تجارت بین‌المللی هماهنگ سازند. از این جنبه، کشورهای صادرکننده نفت ممکن است مجبور شوند بطریقی میان فشار بین‌المللی برای آزادسازی بخش نفت خود به روی رقبای خارجی و تحقق اهداف توسعه خود آشتی برقرار کنند.

از آنجا که نفت عمده‌ترین منبع تأمین درآمد ارزی برای کشورهای صادرکننده نفت است، هر اقدامی که منجر به کاهش ارزش ذخایر طبیعی آنها شود، می‌تواند تبعات منفی قابل ملاحظه‌ای برای نظام اقتصادی و سیاسی این کشورها به دنبال داشته باشد. بسیاری از کشورها سیاست سهمیه‌بندی تولید توسط اوپک را یک محدودیت صادراتی تلقی می‌کنند که در تعارض آشکار با مصوبات گات است. البته لازم به تأکید است که کشورهای عضو اوپک در چارچوب این سیاست، "تولید" را سهمیه‌بندی می‌کنند نه "صادرات" را. به علاوه بند "G" از ماده ۲۰ توافقنامه گات، یک مورد استثناء بر قانون منع محدودیت‌های صادراتی دارد که محدود نمودن تولید با هدف صرفه‌جویی در ذخایر طبیعی را مجاز می‌شمرد.

اما توافقنامه‌های WTO الزامات متعدد دیگری را نیز در زمینه استفاده از منابع طبیعی بر همه کشورهای تحمیل می‌کنند که مشخصاً کشورهای صادرکننده نفت را در بهره‌برداری از ذخایر طبیعی خود برای رسیدن به توسعه صنعتی و اقتصادی، با محدودیت روبه رو می‌سازد. مقررات مربوط به یارانه‌ها و مقررات ضد دامپینگ، محدودکننده بسیاری از سیاستهای کشورهای صادرکننده نفت در جهت توسعه اقتصادی است. توافقنامه‌های فوق، هنوز هم دارای بندهایی هستند که عرضه انرژی به صنایع داخلی به قیمت‌هایی پایینتر از قیمت‌های جهانی را با رعایت شرایط معینی مجاز می‌شمردند، ولی تأمین این شرایط برای کشورهای صادرکننده نفت آسان نیست. توافقنامه‌های WTO امروزه به سویی حرکت می‌کنند که در آینده اعطای هر گونه

یارانه‌ای به صنایع را در فرایند توسعه صنعتی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه، ممنوع خواهند کرد.

در خصوص یارانه‌ها دو رویکرد متفاوت وجود دارد. از یکسو کشورهای صادرکننده نفت، عرضه انرژی ارزان به صنایع خود با قیمت‌هایی پایینتر از قیمت‌های جهانی را جزو یارانه‌های قابل تعقیب به حساب نمی‌آورند زیرا این انرژی ارزان بطور یکسان و با قیمتی یکسان در اختیار تمام بخش‌های اقتصاد قرار می‌گیرد و مختص به یک صنعت معین یا صنایع صادراتی صرف نیست. این کشورها بر این باورند که مزیت نسبی را می‌توان برای پیشبرد فرایند توسعه مورد بهره‌برداری قرار داد. از طرف دیگر اغلب کشورهای توسعه یافته مدعی هستند که انرژی ارزان یک یارانه غیرمجاز است که روند تجارت آزاد را مختل می‌کند و شرایط رقابت عادی را برهم می‌زند، و این دیدگاه، دیدگاه غالب در میان اعضای WTO است. کشورهای صادرکننده نفت که به عضویت WTO درآمده یا در آینده به آن ملحق خواهند شد، می‌بایست یا نظر فوق را پذیرفته و یارانه اعطایی (در قالب مواد خام ارزان) به صنایع خود را حذف کنند و شرایط رقابتی یکسانی را برای رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی ایجاد کنند، یا با تهدید کشورهای عضو به اعمال عوارض جبرانی و اقدامات ضد دامپینگ رو به‌رو شوند.

البته WTO شرایط و امتیازات ویژه‌ای را برای کشورهای در حال توسعه در نظر می‌گیرد که به این کشورها اجازه می‌دهد طی یک دوره انتقالی هشت ساله بتدریج یارانه‌های صادراتی خود را حذف کنند. مخالفان این امتیازات ادعا کرده‌اند که هشت سال، زمان زیادی است که به صنایع صادراتی این کشورها امکان دهد با بهره‌برداری از یارانه‌های صادراتی، موقعیت برتری را برای خود در بازار جهانی تثبیت کنند.

سیاست‌های توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه با موانع دیگری نیز در چارچوب اقدامات سرمایه‌گذاری مربوط به تجارت رو به‌روست. این توافقنامه، با آن دسته از اقدامات سرمایه‌گذاری سروکار دارد که با قواعد مهم گات، شامل قاعده رفتار ملی و حذف محدودیت‌های مقداری فرا راه تجارت، در تعارضند. این بدان معنی است که کشورهای صادرکننده نفت نمی‌توانند خریدهای شرکت‌های نفت (اعم از مواد، خدمات و قطعات یدکی) را، با هدف حمایت از صنایع داخلی عرضه‌کننده این ملزومات، قانوناً محدود به تأمین از بازار داخلی نمایند.

منابع و مآخذ

۱. پاول تیمیست، آینده‌ای برای اوپک، بولتن تحولات بازار نفت، شماره ۳۰.
۲. افشارنادری، مسعود و خطیبی طباطبائی، سیدمحمدعلی، همکاری اوپک و غیراوپک راهی به سوی تثبیت عادلانه قیمت‌نفت، صفحات ۴۳-۳۴.
۳. پیتر گرین هانگ، نفت و سازمان تجارت جهانی، OIES بریتانیا، ۱۹۹۹.
۴. ایروانی، محمدجواد؛ تجارت در آینده، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۱.
۵. دبیرخانه آنکتاد؛ چگونگی الحاق به سازمان تجارت جهانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۱.
۶. دژپسند، فرهاد و عبدیان، مسعود؛ ارزیابی پیامدهای عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۳ و ۱۴، صفحات ۳-۴۶.
۷. نصیریان، محمد مهدی؛ گات پنجاه سال گذشت، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۱ و ۳۲، سال سوم - آبان و آذر ۱۳۷۷. صفحه ۱۲۵-۱۴۳.
۸. موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، بولتن تحولات بازار نفت، شماره ۲۷.
۹. خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان جهانی تجارت، نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ج.ا.ا، تمجید سازمان تجارت جهانی از مشارکت فعال مکزیک در نظام تجاری چند جانبه سال ششم، شماره ۳۴، اردیبهشت ۱۳۸۱.
۱۰. خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان جهانی تجارت، نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ج.ا.ا، تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات: پایه‌ای از نظام تجارت چند جانبه، سال هفتم، شماره ۴۵، فروردین ماه ۱۳۸۲.
۱۱. خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان جهانی تجارت، نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ج.ا.ا، پافشاری عربستان بر حفظ مقررات اسلامی در فرآیند الحاق، سال ششم، شماره ۳۳، فروردین ۱۳۸۱.
۱۲. دژپسند فرهاد و مسعود عبدیان. ارزیابی پیامدهای عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی. مجله برنامه و بودجه. شماره ۱۳ و ۱۴. صفحات ۳-۴۶.
۱۳. نصیریان، محمد مهدی؛ گات پنجاه سال گذشت، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۱ و ۳۲، سال سوم - آبان و آذر ۱۳۷۷، صفحه ۱۲۵-۱۴۳.

14. Mabro Robert, "Threats to OPEC's Power", Oxford Energy Forum, London May, 1999
15. United Nations Trade and Development Board ,june 2001
16. Mecomilla, Fiona ,WTO and the environment,London Sweet&Maxwell2001
17. Murry Gibbs,Conference on theImpacts of Globalization on the Middle East Oil and Gas Industry for International Energy Studies ,Energy Policies,Human Development and The Doha Agenda2002,
18. Simonetta Zarrilli, Conference on theImpacts of Globalization on the MiddleEast Oil and Gas Industry for International Energy Studies,Domestic Taxation of Energy Products and Multilateral Trade Rules2002
19. Jimenez— Guerra,Andrea,Oxford ,OIES,The World Trade Organization and Oil,2001
20. The report of the Committee on Trade and Environment was presented and adopted at the Ministerial Conference held in Singapore in 1996
21. Peter Odell, "The international community's perception of the future of Middle East oil from the 1960s to 2000", Arab oil & Gas, No.699,1,Nov,2000.
22. International Energy Agency (IEA) (1997) " (Asia Electricity Study)".
23. Shoja E. Hosseini , How Far from WTO? , Iran - Thursday 18 Oct - (c) 2001 IranMania.com
24. Payvand's Iran News , Iran ready to begin talks on joining WTO , Tehran, Jan 29, IRNA
25. John Jackson :The World Trade Organization ,1998
26. US Department of Commerce (1998), International Trade Administration
27. The debate is reflected in WTO documents S/CSC/M/15-16-17, 18/Rev.1, 19 and 20
28. WTO Committee on Specific Commitments, Communication from the United States. Classification of Energy Services, S/CSC/W/27, 18 May 2000.
29. WTO, Communication from the European Communities and Their Member States. GATS 2000: Energy Services, S/CSS/W/60, 23 March 2001.
30. WTO, Communication from Canada. Initial Negotiating Proposal on Oil and Gas Services, S/CSS/W/58, 14 March 2001.

31. WTO, Communication from Norway. The Negotiations on Trade in Services, S/CSS/W/59, 21 March 2001
32. WTO, Communication from Venezuela. Negotiating Proposal on Energy Services, S/CSS/W/69, 29 March 2001.
33. WTO, Communication from Chile. The Negotiations on Trade in Services, S/CSS/W/88, 14 May 2001.
34. New York and Geneva, United Nations, 2000
35. US Industry & Trade Outlook 98
36. The report of the Committee on Trade and Environment was presented and adopted at the Ministerial Conference held in Singapore in 1996

